



۲۰۱۸/۰۶/۲۶



دكتور محمد حيدر داور

غریق

ملت غرق شده در اضطراب



به بحر پر تلاطم چون حبایم غریق دجله پر اضطرابیم
بیا ای توده ملت شتابیم رهی بر ساحل مقصود یابیم
و گرنه تا جهان باشد خرابیم
ز دست فتنه های سوسیالیست ز افکار حریص کاپیتالیست
ز اغراق و غلوی ادیالیست رهایی کشتی ملت ریالیست
گریزان از گروه بی کتابیم
خداوندا بده تاب و توانم عطاء کن نیرو و فکر جوانم
ببخشا قدرت ذکر و بیانم بده آن بازوان حق ستانم
که روز تیره هم رنگ غرابیم
اگر خواهی حیات جاودانی مَحْسَبِ آسوده در عهد جوانی
ز دست کلبی و زید و فلانی حقوق خویش را باید ستانی
چرا بیهوده دنبال سراپیم

الهی رحم بر پیر و جوان کن نظر بر بیوه بی خانمان کن
سیه، روی پلید خائنان کن رها ما را ز شر ظالمان کن
که دایم در عذاب و منجلا بیم

چرا ای مردک صاحب غنا، تو نمی پرسی در این فصل شتا، تو
از آن بیچارگان بی نوا، تو به جا کن خدمت خلق خدا، تو

و گر نه در قیامت لاجوابیم

نمیخواهیم هرگز مال و هستی و یا جاه و جلال و چیره دستی
نباشد رغبتِ نُوشاب و مستی به غیر از وحدت و میهن پرستی

به درگاه الهی مستجابیم

تو که از سرزمین آریایی از آن خلد برین آسیایی
چرا بنشسته در ماتم سرایی ز تزویر عدو، غافل چرایی

خدا را دوستان تا کی به خوابیم؟



حیدر داور